



۲۰۱۹/۱۱/۲۳



فریده نوری

اظهار امتنان

بگذار بگیریم من و بگذار بگیریم
بگذار به این عاقبت تار بگیریم
در ماتم پژمردن گل های امیدم
بگذار که چون ابر به گل زار بگیریم
او رفت و امید دل من دور شد از من
بگذار که از دوری مرجان بگیریم



برادر نهایت گرامی، مهربان و با احساس حمید جان انوری!

اولاً از تمام مهربانی ها و زحماتی که برای اصلاح، ترتیب، تنظیم و آنلاین نمودن مضامین مرجان در وبسایت آریانا افغانستان متحمل می شوید، تا زنده ام ممنون و مدیون شما خواهم بود.

سپاس بی پایان از مضمونی که به یاد یک خواهر و تقدیم به مادرش نبشته اید، که با دنیای احساس و همدری همراه می باشد. از خواندن آن مانند ابر بهاری گریستم و حتی نتوانستم که از های های و گریه بلند جلوگیری نمایم، خداوند به شما تنها استعداد سرشار نویسندگی ارزانی فرموده، بلکه همراه به آن برای شما یک احساس پاک و همدری نمودن با هم نوع را نیز ارزانی نموده است.

اما مرجان اگر خودش رفت لکن باز هم معجزه کرد و غم مادر خود را خورده رفت، و آن این است که مرا با شخصیت بی نهایت مهربان آشنا ساخت، زیرا در عالم نا آشنایی، اولین تسلی نامه که شما نوشته بودید، این طور آغاز شده بود:

گز عقبش ذکر خیری زنده کند نام را

"دولت جاوید یافت هر که نکو نام زیست"

حاجت مشاطه نیست روی دلارام را

وصف ترا گر کنند یا نکنند اهل فضل

روح و روان زنده یاد "مرجان" گرامی باد! چه زیبا و با صفا عکسی از آن دخت دلسوز افغان است که ناخودآگاه اشک از دیده روان می سازد و بغض اندر گلو می گیرد. بخت از مردم افغان چرا برگشته است که حتی در هجرت هم دلسوز ترین ها و با صفا ترین ها را از دست می دهیم؟! از نوری صاحب محترم و یا هر هم وطن دیگر که به لسان فرانسوی حاکمیت دارد، عاجزانه تقاضا می کنم تا نوشته های آن دخت سرفراز افغان را از منابع فرانسوی ترجمه نموده و در اختیار علاقمندان قرار دهند، تا هم از داشته های آن دخت افغان بیاموزیم و هم بدین وسیله یادش را همیشه گرامی داریم.

درود بر روان پاکت ای دخت اصیل افغان!"

اما، باوجود دانستن این که: این غم بی انتها مرا هیچ وقت رها نمی کند: کمر همت بستم و باوجود نداشتن حاکمیت به زبان فرانسوی، شروع به ترجمه مضامین مرجان که در حقیقت میراث از مرجان به جا مانده است، پرداختم. کمی ها و کاستی ها زیاد است زیرا ترجمه کردن خودش یک کسب است و من از یک طرف به این کسب اصلاً بلدیت ندارم و از طرف دیگر هر لحظه آن با درد و غم همراه است.

دانشمند بی همتا و نویسنده توانا و منحصر به فرد، من مانند شما نه نویسنده هستم و نه برخوردار از هیچ نعمت خداوندی، یگانه نعمت و سرمایه زندگی ام را نیز خداوند از من گرفت، اما و لکن همان خداوند مرا به افتخار آشنایی با برادر و دوست مانند شما لایق دید، امیدوارم که از این افتخار مواظبت کرده بتوانم. همیشه موفق و از گزند حوادث در امان باشید. با عرض حرمت.

فریده نوری

f_kamal_113_ezhaar_emtenaan.pdf